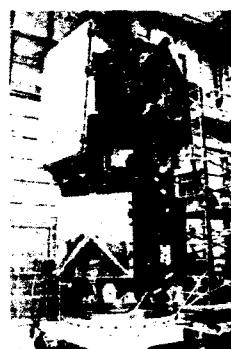


در این شماره می خوانید:

۹ مدل‌های عالم

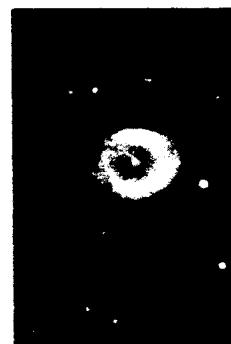
در این مقاله مدل‌های ممکن از دینامیک عالم، بدون آنکه به آفرینش ساختارها و ذرات پرداخته شود، معرفی می‌شوند. درواقع در این مقاله، با مهمترین عاملها در ارائه مدل برای عالم، و نیز با مهمترین مدل‌های ارائه شده در چند دهه اخیر آشنا می‌شوید.



۱۴

نجوم در پرتوهای نامرئی

بخشی از پرتوهای اجرام آسمانی نامرئی هستند، یعنی ما تابش‌های بلندتر و کوتاه‌تر از طول موجه‌ای مرئی را نمی‌توانیم بینیم. «مشاهده» آسمان در طول موجه‌ای رادیویی، فروسرخ، پرتوایکس، فرابخش و پرتو گاما بخش مهمی از نجوم را تشکیل می‌دهند. در این مقاله با نجوم در طول موجه‌ای کوتاه‌تر از نور مرئی آشنا می‌شوید.



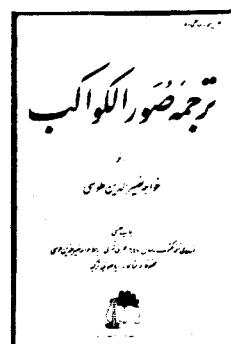
۲۰

تعول اعجاب آور یک ستاره

تحول ستاره‌ها فرایندی طولانی است. اما ستاره FG سهم در مدتی کوتاه چنان تغییر و تحول یافته که نظر همه منجمان را به خود جلب کرده است.

عبدالرحمن صوفی رازی

عبدالرحمن صوفی از برخاسته‌ترین منجمان ایرانی است. کتاب مشهور «وفی به نام صور الکواکب»، مدتها یکی از مهمترین منابع منجمان بود. در تعیین موضع ستاره‌ها و نقشه‌برداری آسمان، صوفی را می‌توان همتراز بطلمیوس و ابرخس دانست.



۲۶

پادداشت سردبیر

۴

خبر

۵

آسمان در این ماه

۱۷

آسمان بهار

۳۰

صفحه شما

۳۴

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر رضا منصوری

سردبیر توفیق حیدرزاده

هیئت ویراستاران: توفیق حیدرزاده

دکتر محمد رضا خواجه پور

دکتر رضا منصوری

دکتر سعدالله نصیری قیداری

منصور وصالی

مدیر داخلی: زرین ناج شکیب

اشتراك: الهام پیرزاده

میترا پورپاشا

مهندخت مولوی

حروفجینی: مهری اصغر آرونی

آگهی‌ها: واحد آگهی (مبکا)

تلفن: ۸۴۴۰۶۴

لینوگرافی: سیما اسکنر ۶۵۱۹۶۱

حدادی: ۶۴۵۲۳۶۳

چاپ و صحافی: مصلاحی ۶۴۵۶۱۱۷۳

ناظارت فنی چاپ: وحید کیانیان (مبکا)

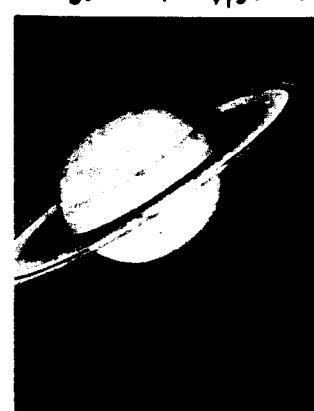
ناشر: شرکت زرگران

مدیرعامل: بابک سدهی

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۴۸۷-۱۵۸۷۵ تلفن: ۸۰۱۲۵۰۷

ساعات کار: ۸ تا ۱۶

دفتر مجله نجوم پنجشنبه‌ها تعطیل است.



روی جلد: زحل، زیباترین سیاره منظومه شمسی



## عبدالرحمن صوفی

عبدالرحمن صوفی از برجسته‌ترین منجمان ایرانی است که کتاب مشهورش، صورالکواكب، یکی از مهمترین منابع نجوم دوره اسلامی درباره صورتهای فلکی است.



بر جای نمانده است. صوفی در کتاب صورالکواكب خود ضمن انتقاد از برخی نظرات نجومی ابوحنیفه به این دیدار اشاره کرده است:

«... و من پنداشتم که ابوحنیفه را بر علم هیئت و رصد وقوفی بوده است، چه در سنۀ خمس و یازده و ثلثاهانه (سیصد و سی و پنج) از هجرت که در صحبت استاد رئیس ابوالفضل محمد بن الحسین به دینور بودم و در حجره ابوحنیفه نزول کرده بودم، از جماعته مشایخ آنجا شنیده بودم که او بر بام این حجره سالهای بسیار رصد کواکب کرده است. اما چون تأثیف او با دست آمد و در آنچه در کتاب آورده است تأمل رفت، معلوم شد که نظر او مقصور بوده بر آنچه ظاهر و مشهود است، از احوال کواکب...»

عبدالرحمن صوفی در سال ۳۵۹ قمری در

را خشنود کردن حامی خود - که به مبحث ستاره‌ها علاقه‌مند بود -، ذکر کرده است. علاوه بر این، می‌گویند صوفی کرامی با نقش ستارگان و از جنس نقره برای عضدالدوله ساخته بود که حدود ۹۰ کیلوگرم وزن داشت و بعدها در کتابخانه کاخ سلاطین فاطمی در مصر نگهداری می‌شد.

عبدالرحمن صوفی اخترشناسی را نزد استادی به نام محمد بن الحسین فرا گرفت و در سال ۳۳۵ قمری به همراه این استاد خود به دینور رفت و از خانه‌ای که ابوحنیفه دینوری در آن به مشاهده ستاره‌ها می‌پرداخت، دیدن کرد. ابوحنیفه ریاضیدان، اخترشناس و ادیب ایرانی بود و شهر دینور که وی در آن می‌زیست در ۴۰ کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه فعلی قرار داشت که به دست نیمور مغول ویران شد. اکنون جز خرابه‌هایی از آن

ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر صوفی اخترشناس نام آور ایرانی است که در سال ۲۹۱ هجری قمری در ری چشم به دنیا گشود. خانواده او از مردم فسا بودند. صوفی در سال ۳۷۶ قمری در سن ۸۵ سالگی در شهر شیراز درگذشت.

درباره جزئیات زندگانی او اطلاعات زیادی در دست نداریم. همین قدر می‌دانیم که وی سالهای زیادی از عمرش را در اصفهان به سر برد و در آنجا این عمید وزیر آل بویه و سپس عضدالدوله دیلمی پشتیبان او بودند. عضدالدوله نزد صوفی نجوم می‌آموخت و به شاگردی او افتخار می‌کرد. صوفی منجم دربار عضدالدوله بود و کتاب نجومی بسیار معروف و ارزشمند خود را به نام عضدالدوله نوشت. صوفی در مقدمه کتابش انگیزه نوشتن این اثر

چنانکه گفتیم صورالکواكب صوفی تاچندی پیش اهمیت و اعتبار جهانی خود را حفظ کرده بود. این کتاب در قرن سیزدهم میلادی در دریار آلمونسوی دهم پادشاه کاستیل، به اسپانیولی ترجمه شد و از آن برای تهیه کتابهای نجومی دیگر استفاده کردند. مقدمه صورالکواكب در سال ۱۸۳۱ میلادی به زبان فرانسوی ترجمه شد و حدود چهل سال پس از آن، متن عربی و ترجمه کامل آن به زبان فرانسوی در سن پترزبورگ چاپ شد. صوفی را در اروپای قرون وسطی به نامهای ازوی (Azophi) یا ابن زوفی (Ebennesophy) یا ابوحسن (abuhassan) وغیره می‌شناختند.

مهترین جنبه کار صوفی این است که وی به نقل آنچه دیگران نوشته‌اند اکتفا نمی‌کرد و خود شخصاً به رصد می‌پرداخت. با این کار توانست اطلاعات موجود درباره ستاره‌ها را تکمیل کند و اشتباهاتی را برطرف کند که دیگران به پیروی از یکدیگر تکرار کرده بودند. در زمان صوفی رصد ستاره‌ها تنها با چشم غیرمسلح صورت می‌گرفت. صوفی در صورت فلکی امرأة المسلسلة (بانوی در زنجیر) ستاره‌ای را متفاوت با سایر ستاره‌ها تشخیص داد و به خاطر شکل ابرمانندش آن را صحابی نامید. بالاخره در قرن هفدهم و به کمک تلسکوپ بود که توانستند آن را به عنوان یک جرم غیرستاره مشاهده و شناسایی کنند و سپس در قرن اخیر به کهکشان بودنش پی‌ببرند. دقت و اجمالیت کار صوفی موجب شد که دانشمندان جدید بتوانند از طریق مقایسه نوشه‌های او با آثار بطلمیوس و مشاهدات جدید، تغییرات احتمالی را که با کندی بسیار در درخشندگی ستارگان پیش می‌آید، بررسی کنند.

از کارهای مهم دیگر صوفی اندازه‌گیری زاویه بین استوای آسمانی و دایره البروج (مسیر ظاهری خورشید در بین ستاره‌ها) بود که درواقع همان میل کلی خورشید است. صوفی این کار را با یاوری گروهی از دانشمندان در شیراز انجام داد و برای این منظور به امر عضدالدوله دیلمی حلقه‌ای به شعاع حدود ۱۲۵ سانتی‌متر ساخته شد. صوفی در این آزمایش مقدار میل کلی

صوفی کتاب معروف صورالکواكب را هم در شهر شیراز نوشت. اسم کامل این کتاب «صورالکواكب الثابت» است و صوفی آن را به زبان عربی نوشته است. نسخه‌های خطی این اثر در تهران، برلن، پاریس، لندن، استانبول و جاهای دیگر نگهداری می‌شود. در سال ۱۹۵۳ میلادی متن عربی صورالکواكب براساس نسخه خطی پاریس که متعلق به کتابخانه الخیک بوده است، در هند به چاپ رسید. این کتاب یکی از مهمترین منابع نجوم دوره اسلامی درباره سورتهای فلکی است و تاحدود صد و پنجاه سال پیش در سراسر جهان جزو منابع معتبر در مورد سورتهای فلکی به شمار می‌آمد.

صورالکواكب در سال ۶۴۷ قمری به دست خواجه نصیرالدین طوسی به فارسی ترجمه شد. نسخه خطی این ترجمه به خط خود طوسی در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است. این کتاب یک بار دیگر در تاریخ ۱۰۹۲ قمری و بار دیگر نیز در سال ۱۰۴۱ قمری به فارسی ترجمه شده است ولی اهمیت این ترجمه‌ها به پای کار خواجه نصیرالدین طوسی نمی‌رسد. در سال ۱۳۴۷ بنیاد فرهنگ ایران عکس نسخه خطی ایاصوفیه استانبول را به صورت کتابی چاپ کرد و همین اثر دوباره در سال ۱۳۵۱ با تصحیحات و توضیحات معزالدین مهدوی چاپ شد.

## ترجمه صورالکواكب

خواجه نصیرالدین طوسی



روی جلد ترجمه چاپ شده صورالکواكب.



شیراز به رصد ستاره‌ها و ثبت اطلاعات نجومی مشغول بود. حاصل این کار که معمولاً به صورت کتابهایی به نام زیج تنظیم می‌شود متأسفانه باقی نمانده ولی دیگران در آثار خود به آن اشاره کرده و آن را ستده‌اند. ابوریحان بیرونی در یکی از کتابهایش زمان آغاز و پایان این رصد را ذکر کرده است. ابوریحان همچنین در کتاب معروف خود به نام قانون مسعودی از صوفی یاد کرده و در جدول قدر ستارگان، هم از کتاب مجسطی بطلمیوس و هم از صورالکواكب صوفی استفاده کرده است. ابوریحان می‌گوید علت اختلافش به کار صوفی این است که صوفی عمر خود را صرف شناختن سورتهای ستارگان کرده است و همیشه شخصاً به مشاهده و اندازه‌گیری می‌پرداخته و صرفاً به نوشه دیگران اکتفا نمی‌کرده است.

نَزَّلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَوْعِدَ الْعَافِيَةِ إِذَا أَكَلَ مُتَقَبِّلَ  
الرَّغْبَةِ عَلَى الْجَنَاحَيْنِ وَرَوَى اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ الْأَمْرَ بِإِحْسَانٍ  
شَهِادَةَ الْحَقِيقَةِ فَلَمَّا هُوَ ذَلِكَ دَعَاهُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةُ لِتَبَرُّهُ إِنَّهُ الْمَنِيبُ  
الْمُنَاهِلُ مِنْهَا إِثْلَالٌ



تصویر امرأة المسلسله در صورالکواكب. محل  
صحابی امرأة المسلسله مشخص شده است.

خورشید را ۲۳ درجه و ۳۳ دقیقه و ۴۵ ثانیه به  
دست آورد.

صوفی سه کتاب درباره اسطرلاپ نوشته  
است که یکی از آنها به فارسی است و نسخه  
خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
موجود است. وی اصلاحاتی در ساختمان  
اسطرلاپ وارد کرد که موجب شد ستاره‌های  
بیشتری را روی اسطرلاپ بتوان نشان داد.  
صوفی از این ستاره‌ها ۳۷ تا را نامگذاری  
کرد و مختصاتشان را در سال ۳۵۸ قمری به

دَبِ الْكَوَافِرِ بِعَدِ سَبِيرِ	دَبِ الْكَوَافِرِ بِعَدِ سَبِيرِ
وَكَفَلَ الْمَلَائِكَةُ	وَكَفَلَ الْمَلَائِكَةُ
حَلَّ مَدْبُرُ فَكَاتَ الْمَلَائِكَةِ	حَلَّ مَدْبُرُ فَكَاتَ الْمَلَائِكَةِ

أَوْ دَرَسْ حَرَثَ أَبَدْ وَالْمَرْسَرَ	أَوْ دَرَسْ حَرَثَ أَبَدْ وَالْمَرْسَرَ
أَرْبَدْ كَوَافِرِ كَيْمَانَ	أَرْبَدْ كَوَافِرِ كَيْمَانَ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ
وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

وَكَبَابِ	وَكَبَابِ

<tbl\_r cells="2" ix="1" maxcspan="1